

www.ketab.ir

حاشیہ خطوط حاشیہ

• ناجی زین الدین المصرف • حمید فرہمند بروجنی

سوشال
عنوان کتاب: اداری
عنوان و نویسنده: ناچي زين الدين المصروف
مشخصات: ۱۳۹۳
مشخصات: ۵۲۴ ص - مقوفا حلى رنگى
شماره: 978 600-5083-04 0

وضعيت: در دسترس
پادداشت
موضوع: تاريخ
موضوع: تاريخ
موضوع: تاريخ
موضوع: تاريخ
شماره افزوده
زده بندي: كنكره
زده بندي: در دسترس
شماره كتبخانى: ۷۳۳۳

رزين الدين ناچي: ۱۹۱۴ - ۱۹۸۵ م.
ادامع الخط العربى: فارسى
دانشنامه خطوط اسلامى: ناچي زين الدين المصروف: حميد فرهنگد بروجنى
اصفهان: گلدسته، ۱۳۹۳
۵۲۴ ص - مقوفا حلى رنگى
978 600-5083-04 0

عنوان كتاب: دانشنامه خطوط اسلامى
نويسنده: ناچي زين الدين المصروف
مترجم: حميد فرهنگد بروجنى
ناشر: انتشارات گلدسته
ویراستار: حسين فرهنگد بروجنى
طراح و صفحه آرا: بانك سرتيب زاده دزفولى، سحر محمدى
سال نشر: پاييز ۱۳۹۳ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
مشخصات: قطع رحلى، ۵۲۴ صفحه، كاغذ گلاسه، جلد سلفن سخت
محل نشر: اصفهان، چاپ شيخ بهايى، صحافى برتر
شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۸۳-۰۴-۰
درگاه الكترونيك: www.goldastepub.com
پست الكترونيك: info@goldastepub.com
همه حقوق مادى و معنوى اين اثر براى ناشر محفوظ است.

انتشارات گلدسته افتخار دارد که از سال ۱۳۷۸ تاکنون توانسته با چاپ کتاب های مفید و ارزشمند در حوزه هایی مثل میراث فرهنگی، هنر و معماری، کودک و نوجوان و فرهنگ و ادبیات فارسی به قدر وسع در راستای توسعه و تعمیق فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی گام بردارد. اما براستی، حضور مؤثر در این عرصه در بحبوحه تولید انبوه کتاب های بی محتوا در زیر لوای آموزشی، کمک آموزشی و... و در کنار آن نقص قوانین چاپ و نشر که بیشتر به کمیت ها گرایش دارد؛ کاری بس دشوار است!

با وجود این، حتی در این زمینه که برخی برای مشارکت در تجارت پرسود کتاب های بی ارزش، و گاهی مبتذل، از یکدیگر پیروی می کنند، هستند نویسندگان و ناشرانی که با چاپ آثار گرانسنگ، مایه دلگرمی دیگران می شوند و این نام بیشتر به معنی آداب و اصول فرهیختگی را نوید می دهند. انتشارات گلدسته نیز با رویکرد تلاش برای تعالی فرهنگ ملی و بشری، در راهبرد جامع خود به چنین مواردی پرداخته است.

۱. چاپ و نشر پژوهش های بنیادی و کاربردی در حوزه هنر (اعم از هنر دینی، هنر تجسمی، هنر اسلامی و هنر سنتی).

۲. توجه به دستاوردهای پژوهشی در حوزه های کمتر شناخته شده و میان رشته ای، مثل نگاهداشت و مرمت آثار فرهنگی، فن آوری های نوین و ...

۳. پرهیز از هر گونه کتاب سازی

۴. توجه به هنر تولید کتاب و هنر کتاب آرایی و تلاش برای ارائه سبک ویژه برای ارائه

سرانجام، لازم می دانند که هم زمان با سپاسگزاری صمیمانه از همه فرهیختگان گرامی که با ارائه نظرات سازنده خود از طریق وبگاه انتشارات گلدسته ما را در رسیدن به اهداف و دای مسانی یاری می رسانند، از همه عزیزانی که در به ثمر رسیدن ایده چاپ کتاب ارزشمند داشتند خطوط نقش داشته اند تجلیل و تکریم به عمل آورد. تقدیم ویژه نیز شایسته جناب آقای حسین بنکدار هاشمی ست که با تشویق و حمایت ویژه ایشان چاپ کتاب در این مقطع زمانی ممکن شد.

دست بوس فرهیختگانی هستیم که با بیان نظرات سازنده و ایده های ارزشمند خود موجب اعتلای هر چه بیشتر فعالیت های این انتشارات می شوند.

پیش از هر چیز مترجم بر خود فرض می‌داند که ضمن عرض ادب و خاکساری به محضر مخاطبان فرهیخته این کتاب ارزشمند، مراتب حق شناسی و ارادت خود را نثار بزرگانی نظیر مرحوم استاد حبیب الله فضائلی بکمال که طی سالیان گذشته، دشواری پژوهش در این عرصه را بر خود هموار کرده، راه را برای پژوهش‌های تازه تر باز کردند. بی شک، این کتاب با تصاویر فراوان و مطالب ارزشمندی که دارد، می‌تواند در نثار اندک آثار موجود، نظیر «اطلس خط»، آشنایی پژوهشگران ایرانی با رویکرد پژوهشگران خارجی را ممکن ساخته، شرایط را برای شناخت و نقد عالمانه آثار خوشنویسی جهان اسلام فراهم کند. این کتاب یکی از آثار ارزشمند پژوهشگر و استاد فقیه عراقی ناجی زین الدین المصروف است که مثل دیگر آثار او، دارای ارزش علمی ارزشمند درباره خط و خوشنویسی اسلامی ارائه می‌کند و البته، همان نقدی که نویسنده محترم در باب قضاوت های مستشرقان درباره خط و خوشنویسی اسلامی وارد می‌کند، به قضاوت ایشان درباره سبک مسلمانان غیر عرب، بویژه ایرانیان، وارد است. متأسفانه بیشتر پژوهشگران عرب زبان معمولاً دستاوردهای نثری مسلمانان (اعم از عرب و عجم) را به پای اعراب می‌گذارند و نقش غیر عرب را در این خط که رنگ جلوه می‌دهند، همچنین باید توجه داشت که در منابع مختلف به نقش شیعیان در توسعه هنر اسلامی به قدر کافی توجه نشده است!

نکته مهم و بدیهی که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که ترجمه متون تخصصی هنر از عربی به فارسی کاری ست دشوار، و البته کمترین چشمداشت مترجم این است که اهل نظر کاستی‌ها را به دیده اغماض بنگرند و برای بهتر شدن کار در چاپ های بعدی انتقادات عالمانه خود را درباره ایرادهای احتمالی به مترجم و ناشر گوشزد کنند.

درباره خط و خوشنویسی، بر خلاف اهمیت ویژه ای که دارد، به قدری غفلت پژوهش‌شده و تعداد کتاب های تخصصی فارسی در این زمینه به هیچ وجه راضی کننده نیست. لازم است که آثار پژوهشگران خارجی، اعم از عرب و غیر عرب به فارسی برگردانده شود تا شرایط برای نقد منصفانه و البته عالمانه شاهکارهای خوشنویسی جهان اسلام فراهم شود.

کتاب پیش روی شما ترجمه کتاب «بدائع الخط العربی» یکی از چند کتاب پژوهشگر معاصر عراقی ناجی زین الدین، و به بیان دیگر، مهمترین یا جذابترین کتاب او درباره تاریخ خطوط اسلامی و اقلام آن است. عنوان فارسی می‌توانست بدایع یا تازه های خط عربی انتخاب شود اما به دو دلیل عنوان دانشنامه خطوط اسلامی برگزیده شد. اول اینکه شاید این عنوان، نیم قرن پیش مناسبیت داشته؛ اما امروز، بسیاری از آثار ارائه شده در کتاب، دیگر بدیع (تازه) قلمداد نمی‌شود. افزون بر این، چنان که پژوهش های متعدد نشان داده است، این اقلام و خطوط دستاورد مسلمانان و بویژه مسلمانان ایرانی ست، نه دستاورد عرب (چنان که نویسنده محترم کتاب در جای جای اثر خود ادعا کرده اند)!

در کنار دشواری گزینش عنوان مناسب فارسی که همه وجوه تاریخی و هنری اثر را بی واسطه بنمایاند؛ بی اغراق باید گفت اگر این کتاب همه ویژگی های یک دانشنامه جامع را ندارد، آن قدر نکات مثبت و ارزنده دارد که بتوان دانشنامه نامیداش. از طرفی، می توان آرزو کرد که ان شاء الله این اثر در کنار آثار فاخری مثل «اطلس خط» مرحوم استاد حبیب الله فضائلی، زمینه ساز نگارش دانشنامه بزرگ خوشنویسی و کتاب آرای جهان اسلام شود.

در اینجا برای روشتر شدن موضوع لازم است که مقدمه ای درباره خط و خوشنویسی و ارزش و اعتبار آن در نزد ایرانیان مسلمان و نیز، نقش مؤثر ایشان در توسعه و تکوین انواع خطوط ارائه شود.

اعراب پیش از اسلام بیشتر به شعر و شاعری توجه داشتند و خط نوشتاری ایشان در آن دوره شاید از کمترین ذوق قریحه هم بی بهره بود، چنان که مرحوم پروفیسور مارتین لینگز پیشرفت آنان در زمینه خط و خوشنویسی را گونه ای «خلق از عدم» دانسته که «نمی تواند نتیجه تکامل طبیعی عناصر از پیش موجود باشد» (لینگز، صص ۱۱-۱۲). جالب است که با ظهور دین مبین اسلام «مردمی که نه ذوق خوشنویسی داشتند و نه استعداد ساختمان سازی، به اقتضای اوضاع، هم کاتب شدند هم معمار. تمثیل مناسب در اینجا تبدیل یک چیز به همه چیز است، که در حوزه خوشنویسی چشمگیرتر از معماری بوده است» (همان، ص ۱۲).

خط و کتابت در اسلام همیشه این داشت که در واقع، «اسلام بیش از هر دین دیگری بر اهمیت و اعتبار کتاب پای می قشرد» (شیمل، ص ۱۱۱) و کلام الله مجید به نوشتن، فراوان اشاره شده است. برای مثال در سوره علق (۹۶:۴) خداوند در مقام کسی که از او می شود که «به بشر علم نوشتن یا قلم را آموخت»؛ همچنین در آغاز سوره مبارکه قلم به «قلم» توجه می نماید و آیه می نگارند «قسم یاد شده است. این آیات و اشارات نظیر آن ها در طی قرون و اعصار همواره در بخش شاعران و عارفان مسلمان بوده است. «بنا بر قرآن، همه چیز با قلم ازلی و از ازل بر لوح محفوظ نگاشته شده است... و قلم که می توانست همه چیز را بر لوح بنویسد، بنا بر حدیث نبوی نخستین آفریده عالم است» (همان، صص ۱۲۴-۱۲۵). قرآن افزون بر سخن گفتن از راز و رمز لوح و قلم، سراسر زندگی انسان تحت الشعاع پدیده نوشتن قرار داده است. آیا خداوند فرشتگان را ناگزیر نکرد که چون کاتبان به کتابت؟ لحظه ای نیست که کراماً کاتبین (انفطار، ۸۲:۱۱) یا فرشتگان کاتب، برای نوشتن تمام اعمال و عبادت «بر شانه های او نشینند، و سرانجام در روز قیامت کتاب نامه اعمال او که کمابیش با حروف سیاه پر شده است، عرضه خواهد شد» (همان، ص ۱۲۶).

هر جا که مسلمانان پا می نهادند، این نوشته های قرآن بود که برآستی رایت و آیت راستین پیروزی اسلام می شد. هنگامی که مردم غیر سامی، زبان اعراب را پذیرفتند از این اصطلاحات به همراه بخشی از برکت زبان عربی و حروف آن، که در جایگاه ظروف و حی از خیر و برکت برخوردار بود، بهره بردند. بنا بر این، دینداران کلام الله را به زیبایی هر چه تمامتر کتابت کردند و چنان که در حدیثی بسیار منقول از حضرت نبی اکرم (ص) آمده است «هر که بسم الله را زیبا کتابت کند موهبت و برکت بی شمار می یابد» یا «به بهشت وارد می شود» (همان، ص ۱۲۶).

فراگیر بودن حروف عربی در تقویت حس وحدت مسلمانان سهمی بزرگ داشت. هر کس که اندکی سواد خواندن داشت اشارات القبای عربی را می فهمید، و این اندیشه صوفیان اوایل که «هیچ حرفی در

زبانی نیست که به پرستش خداوند نمی پردازد» امکاناتی تقریباً نامحدود برای تفسیر حروف و کشف معانی همواره تازه در اختیار هنرمندان و عارفان قرار داد که به نوبه خود با ابزارهای هنری به بیان و تجلی در می آمد. در قرآن کریم (لقمان، ۳۱:۲۷) آمده است که «اگر هر درخت روی زمین قلم شود و آب دریا به همراه آب هفت دریای دیگر مداد | مرکب |، باز، نگارش کلمات خدا ناتمام می ماند...» به علت تقدس حروف عربی، هر آنچه با آنها نوشته می شد باید با احتیاط تلقی شود... و از دید مارتین لینگز، «شاید نقش برخی از قرآن های کوفی اوایل، درست مثل شمایل های مقدس، برای تأمل و برخورداری از برکت آن ها بوده است تا قرائت» [همان، صص ۱۲۷-۱۲۸].

بدین ترتیب، با تقدس یافتن هنر خوشنویسی، طبعی بود که میان خوشنویسان و عارفان پیوندی نزدیک برقرار شود. اهل سنت و شیعیان، هر دو، به خوشنویسی توجه داشتند: گروه نخست بین قرآن مجید و چهار خلیفه او پیوندی قائل بودند و گروه دوم نیز به پیروی از سفارش حضرت پیامبر (ص) و حضرت امیر المؤمنین (ع) دیگر امامان شیعه برای خوشنویسی ارج و منزلتی ویژه قائل بودند. انتساب شماری فراوان از نسخه های خطی موجود در موزه های جهان به امامان شیعه، حتی اگر در انتساب آن ها تردید وجود داشته باشد، گواهی بر منزلت خط و خوشنویسی در نزد شیعیان است.

«کاتب والا مقام از میان نزدیک و اطرافیان بلافضل پیغمبر (ص)، علی بن ابی طالب (ع)، بزرگ مرد تشیع، پسر عمو و داماد او بنی امیه جمع آوری کل قرآن پس از رحلت پیامبر (ص) را به ایشان نسبت می دهد. قرآن دست نوشته امیر المؤمنین (ع) نزد خانواده جعفر، برادر ایشان، باقی ماند و ابن ندیم مدعی ست که نسخه ای به خط ایشان را که برگ هایی از آن مفقود شده بوده، نزد فرزندان امام حسن (ع) دیده است | پوپ، ص ۲۲۷|. بر بنی امیر المؤمنین (ع) نخستین کسی پنداشته می شود که درباره آداب کتابت توصیه هایی کرده است | نقل کرده اند کاتبی در نزد ایشان کار می کرد و از سوی ایشان سفارش می شد که «دوات را به هم بزن و قلمت را با سری بلند بتراش...» [همان، ص ۲۲۹].

«درباره ایجاد قلم و انتساب آن به حضرت علی (ع) آمده که: حضرت خالق برابا عز و علا اول چیزی که موجود ساخت قلم معجز رقم بود، چنانکه نص این حدیث در باب آن صادر شده که اقراء و ربک الاکرم، الذی علم بالقلم، و حدیث نبوی علیه و آله سلم موافق آن است | ما خلق الله القلم... شیر خدا شاه ولایت علی / صیقلی شرک خفی و جلی؛ که فرمود علیکم بحسن الخط فانه من مفاتیح الرزق و آن حضرت سلام الله علیه بدین شغل کریم و هنر واجب التکریم جهد مبذول به کار زده اند و هم آن حضرت سلام الله علیه فرموده اند حسن الخط لسان الید و بهجة الضمیر. یعنی زیبایی خط، زبان دست است و روشنی دل... | قاضی میر احمد منشی قمی، صص ۱۱۵-۱۱۷|.

بر این اساس، هنر خوشنویسی والاترین منزلت را در بین تمام هنرهای اسلامی یافت و هنرمندان مسلمان، بویژه ایرانیان، در اعتلای این هنر و هنرهای وابسته به کتاب و کتابت، مثل تذهیب و وراقی و قطاعی و جلد سازی و مرقع سازی و... در طی قرون متمادی رنج ها کشیدند و مجاهدت ها کردند. درباره خط و خوشنویسی در بین اعراب باید گفت که پس از ظهور دین مبین اسلام و حسب ضرورت انتقال کلام مکتوب، پیشرفتی مهم و اساسی بروز کرد، اما، خیلی زود زیبایی خط و نوشتار ایشان در بین همه مسلمانان در سراسر قلمرو اسلامی رواج یافت و مبدل به هنری شاخص شد. در واقع، خط عربی تبدیل شد به ابزاری هنری که به شیواترین شکل ممکن، کلام الهی را منتقل و تبوغ مسلمانان را منعکس می کرد.

«خوشنویسی در ایران، بویژه از اوایل قرون وسطی، اثری عمیق بر هنرهای دیگر داشته، اصولی لازم الاجرا و کمال مطلوب‌هایی واقعی در پیش روی نقاشان، تذهیب‌کاران و طراحان قرار داده و نیز مایه اصلی تزئینات در فن معماری به حساب آمده و به منزله برادر توأم و بلکه غالباً به منزله ارباب نقاشی بوده است، به طوری که بعضی نقاشان بزرگ در این دو هنر تمرین می کرده اند و نیز عده نقاشان برجسته ای که اولین تعلیمات خود را در نوشتن خط دیدند، کم نیستند... به نظر می رسد خط وسیله بیان مستقیم روح انسان است. و از نظر اهل تصوف به منزله ترجمه بلافصل رؤیت است، غایت مقصود است بدون مداخله اصول مادی که طراح ناگزیر از استعمال آنهاست» [پوپ، ص ۲۲۶].

ایرانیان حتی پیش از شکل‌گیری حکومت‌های محلی در سده‌های نخستین دوران اسلامی، یعنی مدتی کوتاه پس از تحمل ضربه ای که از اعراب خورده بودند، دوباره خود را بازیافتند و در علم و هنر و فرهنگ نقش ممتاز خود را ایفا کردند، به طوری که در جاهایی مثل فارس، عراق، خراسان و ماوراءالنهر که مدنیت است در زمان دیالمه و سلاجقه، نحو و لغت و کلام در سرزمین عجمی ترقی یافت و «لو تعلم العلم ما فکثر لثرا لئاله القوم من اهل الفارس» مصداق پیدا کرد... علم خط هم از صنایع قبیله ای به شمار می رفت و قلم زنان و کاتبان بزرگ خط چون ابراهیم و یوسف سگری و استاد احوّل و ابن مقله و ابن بواب طهر که همگی اصلاً عجمی بودند» [میرزا حبیب اصفهانی، صص ۱۱۲-۱۱۳].

«حمایت برمکیان باعث شهرت و بشرف احمد بن ابی‌الخالد معروف به الاحول المحرز (مردی احوّل که خطی بس خوش و تمیز می‌نوشت) گردید و او بزرگترین خوشنویس دربار مأمون شد... گفته می‌شود که الاحول معلم ابوعلی محمد بن علی وزیر مشهور فارس (۲۷۲-۳۲۸ ه. ق.) ملقب به ابن مقله بوده است...» [پوپ، ص ۲۲۹].

از اواخر دوره امویان و اوایل عباسیان قلمرو علم و ادب به سرعت گرفت و به تدریج در ایران و مصر و شمال آفریقا انتشار و رواج یافت و کم‌کم از اقلام نخستین آفریقایی و نسخ اقلام دیگری پدید آمد [یوسفی، صص ۶۹-۷۰]. با وجود پویائی و تحولی که خط علمی تا سده سوم هجری داشت، در خشانترین دوره آن از این زمان آغاز می‌شود، در نیمه دوم این سده، نخستین خوشنویس بزرگ عالم خوشنویسی اسلامی، یعنی ابوعلی علی بن هلال بیضاوی (۲۷۲-۳۲۷ ه. ق.)، معاصر ابن مقله، بر روند توسعه و پیشرفت خط اثری عمیق گذاشت. «نبوغ ابوعلی بن مقله و نیز دانش او از سده هجده موجب پیدایش مهمترین تحول در خط عربی گردید... او به طرز تحسین برانگیزی هنر خوشنویسی را به سمت نظام دقیق علمی سوق داد که بر اساس نقطه، خط و دایره بنیاد شده بود. این نظام جدید خطی خط المنسوب نامیده و براحتی از سوی همگان پذیرفته شد» [سفیدی، صص ۴۴-۴۷]. پس از ابن مقله و ابن خورشید در خشان عرصه خط و خوشنویسی به دستور یکی از خلفای نادان عباسی، دختر او و شوهرش که ابن اسد و ابن سمسانی راهش را دنبال کردند تا اینکه نوبت رسید به دومین خورشید در خشان این عرصه، یعنی ابوالحسن علاء الدین علی ابن هلال، معروف به ابن بواب (ف. ۴۱۱ ه.). پدر او را به قولی بواب یا دربان دیوان قضا در بغداد و به قولی دیگر، پرده دار آل بویه دانسته اند و به همین دلیل در بین اعراب به ابن الستری مشهور بوده است. «ابن بواب فقیه و حافظ قرآن بود و در زمان خویش در سراسر ممالک اسلامی شهرت فراوان داشت، چنانکه بهاء الدوله وزیر (آل بویه) او را به همدمی خویش انتخاب کرد و ابوالعلاء معری شاعر آزاده عرب در اشعار خود حسن خط او را ضرب المثل قرار داد... ابن بواب به سال ۴۱۱ هجری در بغداد به رحمت ایزدی پیوست و بسیاری از بزرگان علم و ادب در رثای او مرثیه ساختند، از جمله، شریف سید مرتضی (ف. ۴۳۴ ه. در بغداد) قصیده ای غرا و لطیف در فقدان او سرود» [سلطانی، صص ۲۱-۲۲]. «ابن بواب را از خطاطان شیعه می‌دانند ولی اینکه ایرانی باشد مشخص نیست ولی در

شیراز در خدمت امیران آل بویه بوده و کتابخانه ای را اداره می کرده است» [فدایی عراقی، ص ۳۵].

بسیاری از خوشنویسان، بی واسطه و با واسطه، از ابن بواب سرمشق گرفتند و به مدارجی رسیدند. یکی از شاگردان بلافصل او را ابوالحسن: مهیار بن مرزویه دیلمی (شاعر مشهور) دانسته اند که مجوسی بود و به ارشاد شریف رضی مسلمان شد [میرزا حبیب اصفهانی، ص ۵۶].

پس از ابن بواب به مدت تقریباً دویست سال، نظیر ابن مقبله و ابن بواب پیدا نشد تا سرانجام نوبت به یاقوت مستعصمی (ف. ۶۹۸ هـ.) رسید. او که یکی از نام آورترین خوشنویسان جهان اسلام است، اگر چه ایرانی نبود، دست پرورده ایرانیان بود. استادان او ابن حبیب و عبدالمؤمن صفی الدین ارموی، و نیز، بیشتر شاگردان شهریار ایرانی بودند [نعیمایی، صص ۶۴-۸۳]. یاقوت شاگردان مشهوری داشت که «از آن جمله اند: یوسف شهدی، سید حیدر جلی نویسنده، ارغون کاملی، نصرالله طیب عراقی، احمد بن سهروردی و مبارک شاه زین قلم تبریزی» [قلیچ خانی، ص ۴۸].

پس از یاقوت شاگردان او شمار فراوانی از خوشنویسان نام آور و خوش قریحه ایرانی اقلام مختلف خطوط اسلامی را به زیبایی هر چه تمامتر نوشتند و برخی واضع اقلام و شیوه و سبک های تازه شدند و در توسعه و پیشرفت خط خوشنویسی سهم بسزا داشتند. طی قرون ۷ تا ۹ هجری ایرانیان اقلام تعلیق و نستعلیق و شکسته نستعلیق را توسعه دادند و به آن ها شخصیتی کاملاً ایرانی و متمایز از خطوط عربی بخشیدند. حتی اقلام شکر، معروف نیز به دست خوشنویسان مستعد ایرانی شکل بومی به خود گرفت و پاره ای از آن ها، مانند نسخ و ایران واجد شاخه ها و سبک های متفاوت بومی شد. از این رو، بی شک نام مشاهیر خوشنویسی ایرانی برای همیشه در تاریخ خط و خوشنویسی جهان اسلام ثبت خواهد شد: بزرگانی مثل میرعلی تبریزی، محمدابراهیم قمی، محمدحسین عمادالکتاب قزوینی، میرزا محمد رضا کلهر، میرزا علی رضا بروجردی و... در قلم نستعلیق (عروس خطوط اسلامی)؛ درویش عبدالمجید طالقانی، سید علی اکبر گلستانه و... در قلم شکسته نستعلیق؛ خواجه اختیار منشی گنابادی، آقا محمد کاظم واله اصفهانی و... در قلم تعلیق؛ مولانا اظهر تبریزی، جعفر بایسنقری، بایسنقر بن شاهرخ تیموری، میرزا علاء یکت تبریزی، میرزا علی تبریزی، محمدابراهیم قمی، میرزا احمد نیریزی، علیرضا عباسی، آقا زین العابدین اشرف الکتاب و... در اقلام محقق و ریحان و توقیع و رقاع و نسخ و ثلث.

افزون بر این، با کمال افتخار باید گفت که هنوز هم چراغ خط و خوشنویسی در بین ایرانیان صاحب ذوق روشن است و تلاش هنرمندان معاصر در اصلاح و توسعه شیوه قدما، شیوه ها و اقلام تازه، مثل انواع نقاشی خط و اقلامی نظیر معلی و کرشمه و سفیر، ستودنی و نویدبخش آینده ای روشن است.

در اینجا لازم به بیان این نکته است که هر جا، حسب ضرورت، شرح یا نقدی بر مطالب نویسنده محترم وارد بوده، نظر مترجم در داخل قلاب آورده شده است. تاریخ ها در سراسر متن به هجری قمری ست، و در پایان کتاب واژه نامه ای دو سویه (فارسی-عربی و عربی-فارسی) برای استفاده پژوهشگران ارائه شده است.

سرانجام، مترجم بر خود فرض می داند که تشکر ویژه ای داشته باشد از استاد علی خوشنویس زاده اصفهانی، که سخاوتمندانه رقعۀ نادر و نفیس خط نسخ علیرضا عباسی و نسخه هایی از خطوط نسخ جدّ و پدر جدّ خویش را برای استفاده در این کتاب در اختیار گذاشتند؛ همچنین از دوست گرامی و فرهیخته آقای دکتر شهاب شهیدانی که با صمیمیت هر چه تمامتر نسخه چاپ دوم کتاب اصلی را در اختیار

گذاشتند؛ و نیز از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه هنر اصفهان و جناب آقای حسین بنکدار هاشمی که حامیان معنوی و مادی این اثر بوده اند.

والسلام،

حمید فرهمند بروجنی

عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان

اصفهان، اسفند ۱۳۹۲ هجری شمسی

منابع:

- اصفهانی، میرزا حبیب (۱۳۶۹). تذکره خط و خطاطان. ترجمه رحیم چاوش اکبری، تهران: انتشارات کتابخانه مستوفی.
- پوپ، آرتور ابهام (بهار ۱۳۶۱). «خوش نویسی و کتیبه نویسی»، ترجمه محمدعلی صبوری، فصلنامه هنر (ویژه نامه خوشنویسی جهان اسلام)، شماره ۱، صص ۲۲۵-۲۳۴.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۰). «نغمه‌های روان خط و خوشنویسی»، فصلنامه چلیپا (نشریه خط و خوشنویسی و هنرهای وابسته)، ش ۱، صص ۷۶-۹۶.
- سلطانی، محمدعلی (زمستان ۱۳۷۰). «ابن بواب»، فصلنامه چلیپا (نشریه خط و خوشنویسی و هنرهای وابسته)، ش ۲، صص ۱۷-۲۵.
- شیمل، آنه ماری (۱۳۶۸). خوشنویسی و فرهنگ اسلامی. ترجمه دکتر اسدالله آزاد، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- فدایی عراقی، غلام رضا (۱۳۷۸). «زمانه و زندگی ابوالحسن علی بن هلال مشهور به ابن بواب»، ویژه نامه بزرگداشت ابن بواب (علی بن هلال بیضاوی) مذهب و خوشنویس بزرگ قرن چهارم هجری، چاپ نخست، تهران: انتشارات یزدانی، صص ۱۹-۳۵.
- قلیچ خانی، حمیدرضا (۱۳۹۲). خوشنویسی ایرانی. چاپ نخست، تهران: فرهنگستان هنر.
- منشی قمی، قاضی میر احمد (۱۳۸۳). گلستان هنر، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خراسانی، تهران: انتشارات منوچهری.
- نعمانی، ایرج (۱۳۸۱). «احوال و آثار یاقوت مستعصمی»، خیال، ش ۲۳، صص ۶۴-۸۱.